

الدرس الرابع



حوار بين ولدين

سمير: السلام عليك

حميد: و عليك السلام و رحمة الله و بركاته.

سمير: سلام بر تو.

حميد: درود و رحمت خدا و برکاتش بر تو.

- صباح الخير.

- صباح النور.

صبح بخیر.

صبح بخیر.

- كيف حالك؟

- أنا بخير و كيف أنت؟

حالت چطور است؟

من خوبم و تو چطوری؟

- أنا بخير؛ من أين أنت؟

- أنا من إيران و من أين أنت؟

من خوبم. تو اهل کجایی؟

من از ایران هستم و تو اهل کجایی؟

- أنا من العراق؛ هل أنت من مشهد؟

- لا؛ أنا من مازندران في شمال إيران.

من از عراق هستم؛ آیا تو اهل مشهدی؟

نه من از مازندران در شمال ایران هستم.

- و أنا من البصرة في جنوب العراق.

- ما اسمك؟

من از بصره در جنوب عراق هستم.

اسم تو چیست؟

- اِسْمِی سَمِیْرٌ وَ مَا اِسْمُکَ؟

اسم سمیر و اسم تو چیست؟

- اَیْنَ اُسْرَتُکَ؟

خانواده ات کجا هستند؟

- اِسْمِی حَمِیدٌ.

اسم من حمید است.

- هُمْ جَالِسُونَ هُنَاکَ.

آنها آنجا نشسته اند.

ذَلِکَ اَبِی وَ تِلْکَ اُمِّی.

آن پدرم و آن مادرم است.

ذَکَ جَدِّی وَ تِلْکَ جَدَّتِی.

آن پدربزرگم و آن مادربزرگم است.

- فِی نِهَایَةِ هَذا الشَّارِعِ.

در آخر این خیابان است.

- ثَلَاثَةُ اَیَّامٍ.

سه روز.

- هُوَ اَخِی.

او برادرم است.

- اِسْمُهُ جَعْفَرٌ.

اسم او جعفر است.

- . اِلَی اللِّقَاءِ . مَعَ السَّلَامَةِ.

به امید دیدار. به سلامت.

- اَیْنَ فُنْدُقُکُمْ؟

هتلتان کجاست؟

- کَمْ یَوْمًا اَنْتُمْ فِی کَرْبَلَاءَ؟

شما چند روز در کربلا هستید؟

- مَنْ هَذا الْوَلَدُ؟

این پسر کیست؟

- مَا اِسْمُهُ؟

اسم او چیست؟

- فِی اَمَانِ اللّٰهِ

خداحافظ. (در پناه خدا)